

گفت و گوی اختصاصی صبا با دکتر محمود اکرامی فر

هرج و مرج را باشناخت عمیق زبان مدیریت کنید

محمود توسلیان
گفت و گو

بحث درباره زبان مخفی در ایران از اوایل دهه هشتاد مطرح شد و این اصطلاح نخستین بار توسط دکتر مهدی سمایی با چاپ «فرهنگ لغات زبان مخفی» به کار برده شد که از آن پس نیز این اصطلاح میان پژوهشگران و صاحب نظران جا افتاد و به کار رفت. البته فرهنگستان لفظ «زبان لوتری» را به جای آن پیشنهاد کرد ولی این اصطلاح تا حدی نا آشناست در حالی که «زبان مخفی» مصداق مشخص تر و فرکانس بیشتری دارد. در نشریات و رسانه‌های از همین اصطلاح استفاده شد. زبان مخفی به زبانی گفته می‌شود که از جانب عده‌ای یا کسانی ابداع شده باشد، برای این که افکار و عقایدشان را از دیگران مخفی کنند. در انگلیسی اصطلاحی هست به نام «hidden languages» که به یک «گروه» از زبانهای مخفی گفته می‌شود و انواع گوناگونی دارد اما زبان مخفی به طور مشخص در مقابل اصطلاح argo در زبان فرانسه و slang در انگلیسی وضع شده است و همانطور که گفته شد مربوط به کسانی است که تفکراتشان را پشت الفاظ ابداعی پنهان می‌کنند. اما باید بر این نکته تأکید کرد که مادر زبان فارسی و در اصطلاح «زبان مخفی» لغت «زبان» را با تسامح به کار می‌بریم، زیرا زبان مخفی در هر زبانی یک زائده محسوب می‌شود؛ هر یک از زبان‌ها (انگلیسی، فرانسه، آلمانی و...)، زبان مخفی خودشان را دارند. در فارسی هم به همین قیاس زبان مخفی را به کار می‌بریم اما زبان مخفی در فارسی، در اصل فقط مجموعه‌ای از الفاظ است که می‌تواند اسم، صفت، فعل مرکب، گروه‌های فعلی و از این قبیل واژگان باشد که با روش‌های خاصی از سوی سازندگان آن‌ها به وجود آمده‌اند. دکتر محمود اکرامی فر علاوه بر مجموعه شعرهای متعدد در زمینه جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی فعالیت‌های بسیاری داشته است که یکی از آنها تالیف کتاب مردم‌شناسی اصطلاحات خودمانی است که به طریقی دیگر بحث زبان مخفی را کالبدشکافی می‌کند. خبرنگار صبا درباره این موضوع با دکتر محمود اکرامی فر به گفت و گو نشسته است.



می‌کند. به عنوان مثال واژه‌های چغندر و هویج، به تنهایی هیچ بار مخفی‌ای ندارند ولی اگر از آن واژه‌ها برای توصیف یک فرد استفاده کنیم، باری منفی و مخفی پیدا می‌کنند چون استعمال این واژه برای یک فرد، به معنای بی‌خاصیت بودن آن فرد است.

اهمیت زبان مخفی چیست؟ و اصولاً پرداختن به آن، مهم است؟

بله بسیار مهم است. با شناسایی این حوزه و کانال‌های تولید و گسترش آن، می‌توان این واژگان را در حوزه فرهنگ و تقویت فرهنگی کم‌یاز کرد. شناسایی این واژه‌ها در مدیریت مفاهیمی که مورد قبول جامعه نیست بسیار مؤثر است و هر کدام از این واژگان، تولید، توزیع محتوا و پیام می‌کنند و گاهی وقت‌ها، مخاطبان‌شان از یک رسانه بیشتر است. امروزه ما در عصر شهروند-رسانه زندگی می‌کنیم. هر کدام از نوجوانان و جوانان ما به تنهایی یک رسانه‌اند که می‌توانند در قالب یک رسانه در قوت و ضعف زبان مخفی بسیار مؤثر واقع شوند. چرا؟ بالاتر عرض کردم که مادر عصر شهروند رسانه‌ها زندگی می‌کنیم. چون نسل جدید ما که بومی فضای مجازی هستند، در آن فضا کار می‌کند، تولید می‌کند، زندگی می‌کند و بسیاری از حضور خودشان را در آن فضا رقم می‌زنند. دچار یک دوگانگی میان ذهن و عمل هستند. این نسل که به آنها نسل زومر می‌گویند از زبان مخفی زیاد استفاده می‌کنند. استفاده نسل زومر از زبان مخفی هم به این دلیل است که تعادل بین خواسته‌ها و داشته‌های‌شان به هم

انجام شود. یک واژه نه فقط در وقت استعمال خود واژه که در جمله و پاراگراف و در نهایت داخل متن باید معنای درستی پیدا کند.

چرا توجه به زبان و گسترش آن اهمیت ویژه‌ای دارد؟

زبان ارتباط‌های بین نسلی را ایجاد می‌کند. به عنوان مثال اگر ما زبان فارسی را حفظ نکنیم نه می‌توانیم شعر حافظ را بفهمیم نه ناصر خسرو و نه دیگران را. پس زبان ارتباط بین گذشتگان و آیندگان را تضمین می‌کند و از انقطاع فرهنگی و تاریخی جلوگیری می‌کند. در واقع بر اساس نظریه بالانس به یک تعادل رفتاری و اندیشگانی می‌رسیم. یکی دیگر از ویژگی‌های مهم زبان این است که زمینه خودشکفتگی، خودافشاگری و خودبیانگری را به وجود می‌آورد. هر چه در ذهن انسان باشد، تا زبان نباشد قابلیت بروز و انتقال پیدا نمی‌کند

زبان مخفی چیست؟

آنچه از آن به عنوان زبان مخفی یاد می‌کنیم، با صراحت باید گفت که زبان نیست، بلکه مجموعه‌ای از واژگان برای بیان اندیشه مخفی است، چون در فرآیند ارتباط، یک طرف فرستنده است و یک طرف گیرنده و در میان آنها پیام یا نماد یا مجرا قرار می‌گیرد. پیام زمانی قابلیت انتقال پیدا می‌کند که سوار نماد شود و از طریق یک مجرا یا رسانه منتقل شود. در این مورد خود واژه مخفی نیست، تابو نیست، بلکه مفهوم واژه در ساختار جمله است که آن را مخفی و تابوی

با توجه به اهمیت نقش زبان و زندگی انسان، بفرمایید چه رابطه‌ای بین این دو پدیده است؟

انسان موجودی اجتماعی است و برای زیست اجتماعی‌اش راهی به جز ارتباط با محیط اطرافش ندارد. بسیاری از اندیشمندان بر آنند که مهم‌ترین اختراع بشر زبان است نه ابزارهای دیگری که او را در زندگی یاری رسانده است. در میان مبادی ارتباطی انسان با پیرامون خود، زبان در میان عناصر دیگر، ویژه‌ترین نقش را به عهده دارد.

با این تعاریف واجب شد که بیرسم زبان چیست؟

هر زبان یک سامانه ساختارمند است که در آن مجموعه‌ای از واژگان و ترکیبات در کنار هم به مدد دستور زبان معنایی را منتقل می‌کنند. اما شاید مهم‌ترین خصیصه زبان این باشد که بتواند زایش واژگانی داشته باشد و اسیر وام‌واژه‌ها نشود. در غیر این صورت ناگزیر می‌شود از زبانی دیگر واژه قرض بگیرد و به تدریج دچار استهلاک و اضمحلال شود. مانند یک سرخپوست که در یکی از سال‌های اخیر مقابل یک شومینه در یک آپارتمان نشسته است و هنگامی که می‌خواهد درباره محیط اطرافش صحبت کند، کمتر واژه‌ای می‌یابد که از فرهنگ اصیل خودش باشد و در واقع دچار یک تاخر فرهنگی شده است. به عبارتی دیگر بخش معنوی فرهنگ از بخش مادی آن عقب می‌ماند. حالا شاید در ذهن شما این سوال پیش بیاید که چه باید کرد؟ باید بگویم که در چنین شرایطی است که واژه‌گزینی بسیار اهمیت پیدا می‌کند و این مهم باید توسط تولیدکنندگان محتوا